

نسب کودکان حاصل از فرآیند شبیه‌سازی باز تولیدی از دیدگاه عالمان دین یهود

فریبا حاجی علی^۱، محدثه معینی‌فر^{۲*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

هر یک از ادیان الهی دارای اصول و قواعد ویژه‌ای برای انتساب طفل به پدر و مادرش می‌باشند که مسائل مستحدثه‌ای همچون تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی، بر اساس همان قواعد و اصول تبیین می‌شوند. مقاله‌ی حاضر به‌طور موردی، اصول کلی دین یهود را در انتساب طفل به پدر و مادر بررسی کرده، مسأله‌ی نسب طفل شبیه‌سازی شده را به‌طور خاص موضوع پژوهش قرار می‌دهد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که عالمان یهود، ضمن رد رابطه‌ی همسانی (دوقلوهای ژنتیکی)، به بحث نسب فرزند حاصل از این فرآیند می‌پردازند. ایشان در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر، نظرات گوناگونی دارند. دیدگاه اول این است که اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی مرد باشد، عنوان پدری برای وی تحقق می‌یابد. اما در دیدگاه دوم، اگر رابطه‌ی جنسی، میان زوجین صورت نگرفته باشد، عناوین والدینی نیز تحقق نخواهد یافت. عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر نیز نظرات گوناگونی ارائه داده‌اند. طبق دیدگاه اول، صاحب رحم، مادر قانونی طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. در دیدگاه دوم، به‌دلیل قانونی بودن وجود دو مادر برای طفل، در دین یهود، اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول) زن باشد، می‌تواند در کنار صاحب رحم، مادر طفل شناخته شود.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی مولد (reproductive cloning)، نسب (parentage)، حقوق یهود (Jewish law)

^۱ استادیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران

* نشانی: تهران، شهرک غرب، بلوار فرحزادی، خیابان شهید طاهرخانی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواهران، تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۹۴۹۰۱-۴

مقدمه

یک پدر یا هردو است. هم‌چنین در تلمود آمده است که فرزندان‌ی که از نظر ژنتیکی هیچ شباهتی به همدیگر ندارند، چون از یک مادر به دنیا آمده‌اند، خواهر یا برادر یکدیگر تلقی می‌شوند. البته لازم به ذکر است این ادعا که این افراد (فرد شبیه‌سازی شده و صاحب سلول) با هم از نظر ژنتیکی مطابقت کامل داشته باشند تا قانوناً خواهر یا برادر تلقی شوند، هنوز ثابت نشده است. حال دوقلوهای همسان طبیعی^۱ را در نظر بگیرید که از خودشان شبیه‌سازی نموده‌اند، فرد شبیه‌سازی شده از یکی از آنان، شبیه دیگری نیز هست. مطمئناً این دو فرد شبیه‌سازی شده، برادر یکدیگر نیستند؛ برادر برادر دوقلوی صاحب سلول هم نیستند. لیکن هر یک از آن‌ها فرزند صاحب سلول خود هستند و هر دو، برادرزاده‌ی برادر دوقلوی شخص اهداکننده یا همان صاحب سلول هستند و این دو با هم پسر عمو هستند. علاوه بر این، هنگامی که تخمک بارور شده تقسیم می‌شود، هردو این کودکان که دو قلوی همسان یا MZ هستند، فرزندان پدر و مادری هستند که تخمک اولیه را بارور کرده‌اند و نه این‌که جنین دوم، فرزند جنین اول باشد. پس، این مسئله کاملاً با مسأله‌ی فوق متفاوت است زیرا، مراحل باروری و تقسیم در رحم اتفاق می‌افتد، بنابراین مشخص است که چه کسانی مادر و پدر این فرزندان هستند.

هم‌چنین ملاک تحقق عنوان خواهری یا برادری در مسأله‌ی تقسیم تخمک بارور شده نیز همان ملاک داشتن پدر یا مادر یکسان است. حقیقت این است که این کودکان از یک رحم، یک تخمک و در نتیجه از یک مادر متولد می‌شوند. هم‌چنین، آن‌ها دارای پدر هم هستند که صاحب منی (اسپرم)

پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و ورود آن به عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی انسان، هر روز انبوهی از مسائل مستحدثه و جدید در موضوعات مختلف اندیشه‌ای و دینی را فراروی مجامع علمی و دینی قرار می‌دهد. باورهایی را به چالش می‌کشد و افق‌های نویی را می‌گشاید. شبیه‌سازی نیز از این دست موضوعات است که به لحاظ ارتباطش با اصلی‌ترین مسائل انسانی در ساحت‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و در حوزه‌های گوناگون کلامی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی پرسش‌هایی را پدید آورده است. هم‌چنین با ورود شبیه‌سازی به حوزه‌ی حقوق خانواده و مسائل مربوط به آن، مسائل جدیدی در این حیطه طرح می‌شود که هر یک از سیستم‌های قانون‌گذاری در کشورها و هم‌چنین ادیان گوناگون به دنبال پاسخ‌گویی و حل این مسائل می‌باشند، زیرا در صورتی که شبیه‌سازی انسان به‌عنوان یکی از فناوری‌های کمکی تولیدمثل در آینده طرح شود، باید پیش از هر چیز، تمامی مسائل مربوط به آن را پاسخ داد و ابهامات موجود در این مسأله را حل نمود. از ابهامات موجود در این مسأله، موضوع نسب طفل شبیه‌سازی شده، حقوق ناشی از نسب برای وی و اثرات شبیه‌سازی بر ساختار حقوق خانواده می‌باشد.

دیدگاه عالمان یهود درباره‌ی نسب کودکان حاصل از

فرآیند شبیه‌سازی مولد

۱- رابطه‌ی همسانی

در این دیدگاه، رابطه‌ی طفل شبیه‌سازی شده و اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول)، رابطه‌ی خواهری و برادری است نه رابطه‌ی ولد و والدینی.

منشأ این دیدگاه اصول ژنتیکی است؛ زیرا رابطه‌ی میان این دو، شبیه رابطه‌ی میان دوقلوهای همسان است. البته هلاخا با این دیدگاه مخالف است؛ زیرا مفهوم رابطه‌ی خواهری یا برادری در قانون یهود، منوط به داشتن یک مادر یا

^۱ در شبیه‌سازی گفته می‌شود که حداکثر مطابقت میان اصل و شبیه تا حد ۹۷٪ است و جنین شبیه‌سازی شده بخشی از ساختار ژنتیکی خود را از طریق ژن‌های موجود در سیتوپلاسم تخمک به ارث می‌برد، اما این مسأله در مورد دوقلوهای همسان (یک تخمکی) وجود ندارد و مشابهت فیزیکی و ژنتیکی آنان تقریباً ۱۰۰ درصد است.

است که سبب باروری تخمک گردیده و سپس این تخمک به دو قسمت تقسیم شده است. بنابراین، این دو خواهر یا برادر هستند. طفل شبیه‌سازی شده دارای یک مادر (چه صاحب تخمک یا صاحب سلول) یا پدر (صاحب سلول) است و بنابراین دو فرد مزبور، خواهر یا برادر یکدیگر نیستند (۱).

۲- رابطه‌ی ولد و والدینی

مفهوم نسب در دین یهود

دین یهود انسان را از نظر دینی تابع مادر و از نظر شجره‌ی خانوادگی تابع پدر می‌شمارد (۲). دین یهود به مفهوم نسب نپرداخته است و لیکن بین نسب مشروع و نامشروع تفاوتی قائل شده و به توضیح آن‌ها پرداخته است. به‌طور کلی، در دین یهود سه نوع ازدواج ممنوع شناخته شده است: اول، مواردی است که مرد از ازدواج با یک زن خاص منع شده باشد. با این حال، اگر او شریعت را نقض و با آن زن ازدواج کند، ازدواج او، به لحاظ شرعی معتبر است و انحلال آن، تنها با طلاق ممکن می‌شود. برای مثال، اگر مردی با همسر مطلقه‌اش، پس از آن که آن زن با مرد دیگری ازدواج کرد و سپس طلاق گرفت یا به‌خاطر فوت شوهر دومش بیوه شد، ازدواج می‌کند، تورات این نوع ازدواج را توعوا (مکروه) می‌خواند زیرا ممکن است مشوق فاحشه‌گری شرعی باشد. اگر چنین ازدواجی واقع شود، دادگاه از تمام اختیارات خود استفاده می‌کند تا مرد را وادار به طلاق دادن زنش نماید. با این حال، ازدواج مذکور، شرعی و لازم‌الاجراست و در بیش‌تر موارد، فرزندان تولد یافته از این پیوند زناشویی، تحت تأثیر پلیدی آن قرار نمی‌گیرند. نوع دیگر از ازدواج‌های ممنوع، ازدواجی است که با زنا یا محارم همراه باشد. چنین ازدواجی حتی اگر مطابق آیین رسمی ازدواج صورت گرفته باشد، شرعی نیست و زوجین در عقد یکدیگر به حساب نمی‌آیند. بنابراین، برای انحلال این پیوند نیازی به صدور گط (طلاق‌نامه) نیست. فرزندان تولد یافته از این وصلت، نامشروع محسوب می‌شوند، اما در حقوق و تکالیف از والدین خودشان تبعیت می‌کنند. نوع سوم ازدواج ممنوع نه تنها معتبر نیست،

بلکه هیچ یک از فرزندان تولد یافته از آن نیز نسبتی با پدر خویش برقرار نمی‌سازند. ازدواج یهودی با غیریهودی چنین است. این ازدواج، چه مراسم رسمی ازدواج در آن رعایت شده باشد و چه نشده باشد، شرعی نیست و هر فرزندی که از این پیوند زناشویی متولد شود، متولد از بکرزایی تلقی می‌شود. یعنی همیشه نسب و نژاد او را با نسب مادر می‌سنجند؛ اگر مادرش یهودی باشد، او نیز یهودی است و اگر غیریهودی باشد، او نیز غیریهودی خواهد بود (۳).

معادل «کودک نامشروع» در زبان عبری «ممز» است که به معنای کودک یهودی حرامزاده است. از نظر اسفار پنجگانه موسی (ع) و شریعت شفاهی، ممز در جایگاهی پایین‌تر از یک شهروند معمولی قرار می‌گیرد، زیرا وی ثمره‌ی یک ارتباط جنسی نامشروع است. یک یهودی مادرزاد نمی‌تواند با یک حرامزاده ازدواج نماید، ولی حرامزاده می‌تواند با مشابه خود یا با فرد یهودی‌شده ازدواج نماید. فرزندان یک فرد حرامزاده مانند خود وی حرامزاده‌اند حتی اگر وی با یک مرد یا زن یهودی ازدواج کرده باشد. اما اگر حرامزاده از بیگانگان باشد، در این صورت فرزندان وی جزو بیگانگان خواهند بود. گفتنی است که تولد کودک در خارج از چارچوب ازدواج، لزوماً باعث حرامزاده بودن وی نمی‌شود؛ زیرا زن یهودی بی‌شوهر، کودکان مشروع به دنیا می‌آورد، البته به شرط آن‌که ازدواج او با پدر کودک از نظر شرعی اشکالی نداشته باشد. در این صورت حتی اگر مرد و زن یادشده با یکدیگر ازدواج نکنند، کودک آن‌ها نامشروع محسوب نخواهد شد.

به کودکی که در مورد پدرش شک داشته باشند، «شتوقه» گفته می‌شود و این کلمه به معنای فردی است که اصل و نسب او نامشخص است؛ زیرا مادر وی حاضر نیست هویت پدر را فاش کند و یا اصلاً نمی‌داند که پدر او کیست. البته معمولاً به چنین فرزندی نامشروع گفته نمی‌شود؛ زیرا به کودک سرراهی شباهت دارد. در زبان عبری «اسوفه» به کودکی گفته می‌شود که مادر و پدرش ناشناخته‌اند و ممز بودن آن مورد شک است (۴).

قسمت پیوند زده شده را مصرف کرد. در توجیه این مطلب استدلال شده است که جوانه‌ای که به یک درخت رشد یافته، پیوند زده می‌شود استقلال خود را از دست داده و هویت گیرنده را کسب می‌کند؛ از این رو، دیگر قانون اورلا حکم‌فرما نیست و می‌توان میوه‌ی آن قسمت پیوند زده شده را مصرف کرد.

بر اساس این استدلال و قیاس مقررات حاکم بر میوه‌های جوانه پیوند زده شده با انتقال جنین یا گامت انسانی، عده‌ای از علماء یهود معتقدند که به محض فراکاشته شدن جنین یا گامت در رحم جانشین، عضو انتقال یافته هویت خود را از دست می‌دهد و در همان زمان هویت گیرنده را به دست می‌آورد. بنابراین، با توجه به این که جنین، هویت مادر جانشین را کسب می‌کند لذا مادر جانشین یعنی زن صاحب رحم، مادر قانونی است (۶). بر این اساس، نسب در دین یهود، تنها در چارچوب روابط ژنتیکی محقق نمی‌شود.

منشأ انتساب فرزند به پدر

همان‌طور که گفته شد، فرد یهودی در شجره‌ی خانوادگی به پدر منتسب است و در علم پزشکی هم منشأ پیدایش و ماده‌ی سازنده‌ی جنین از ناحیه‌ی پدر، اسپرم موجود در منی مرد است. بر این اساس، در دین یهود دو دیدگاه مطرح است: ۱- صاحب منی (اسپرم یا نصف ماده‌ی ژنتیکی) پدر طفل است، هرچند که رابطه‌ی جنسی برقرار نشده باشد (۷، ۵، ۱).

۲- اگر رابطه‌ی جنسی میان زوجین برقرار نشده باشد، عناوین والدینی نیز تحقق نخواهند یافت (۵، ۱).

منشأ انتساب فرزند به مادر

در این زمینه نیز دو دیدگاه در دین یهود وجود دارد: ۱- صاحب رحم، مادر طفل است: دیدگاه غالب در دین یهود، تولد و زاییدن را ملاک قرار می‌دهد و بنابراین، صاحب رحم مادر واقعی طفل محسوب می‌شود (۵، ۱). ۱- صاحب رحم و صاحب تخمک، مادر طفل هستند: این دیدگاه از آن Rabbi J. David Bleich و

البته لازم به ذکر است که دین یهود تنها از رابطه‌ی ژنتیکی برای پاسخ‌گویی به شبهات در مورد نسب استفاده نمی‌کند. این امر با ارائه‌ی سه نمونه از حوزه‌های مختلف حقوق قابل اثبات است: اولین مورد، در حوزه‌ی قانون تغییر مذهب است. بر اساس قانون یهود، کسی که به دین یهود در می‌آید، تمام پیوندهای قانونی‌اش را که اساس آن‌ها، روابط ژنتیکی بوده، از دست می‌دهد؛ گویی مجدداً متولد شده است. با پذیرش این قانون، تلمود تصدیق می‌کند که بر اساس قوانین کتاب مقدس تورات، وی می‌تواند با مادر، خواهرش، برادر و یا پدرش ازدواج نماید. استادان بزرگ یهود، در زمان نگارش تلمود، این ازدواج را ممنوع کردند، زیرا می‌ترسیدند که مردم با گرویدن به دین یهود، به ازدواج‌هایی از این نوع دست بزنند. البته این ممنوعیت ناشی از عدم مشروعیت روابط جنسی میان خویشاوندان نزدیک نمی‌باشد.

نمونه‌ی دوم استنکاف دین یهود از روابط ژنتیکی آن است که قانون یهود مربوط به حیوانات خانگی، رابطه‌ی پدر و فرزندی را میان حیوان و فرزندش در نظر نمی‌گیرد. بسیاری از عالمان یهودی از این قانون حمایت می‌کنند. این موضوع مربوط به دستوری است که در کتاب مقدس تورات آمده است که «نباید حیوان (oto) و فرزندش (beno) را در یک روز ذبح کرد.» یعنی با وجود این که طبق شرع نمی‌توان حیوان ماده و فرزندش را در یک روز ذبح کرد این ممنوعیت شامل حال حیوان نر و فرزندش نمی‌شود. بنابراین قانون یهود، انکار رابطه‌ی ژنتیکی میان حیوان نر و فرزندش را درست می‌داند هرچند که احراز این رابطه مسلم باشد. اما عده‌ای دیگر از عالمان یهود با این موضوع مخالفند و معتقدند که دین یهود اهمیتی برای رابطه‌ی پدر و فرزندی در میان حیوانات قائل نیست (۵).

نمونه‌ی سوم، قانونی یهودی به نام اورلا (Orla) است که به موجب آن در طی سه سال از زمان کاشتن نهال، خوردن میوه‌ی آن ممنوع است؛ ولی این قانون در مورد جوانه‌ای که به درختی پیوند زده می‌شود، کاربرد ندارد و می‌توان میوه‌ی

باشد و در این صورت او می‌تواند از ازدواج دیگری، خواهر ناتنی داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد طفل شبیه‌سازی شده می‌تواند با هر زن یهودی ازدواج کند (۷).

۲- در مسأله‌ی شبیه‌سازی عناوین والدینی محقق نمی‌شوند: اما در دیدگاه دوم، اگر رابطه‌ی جنسی، میان زوجین صورت نگیرد، عناوین والدینی نیز تحقق نخواهند یافت. در این صورت در شبیه‌سازی، هیچ رابطه‌ی ولد و والدینی قابل تصور نیست. اما این دیدگاه با قوانین گسترده‌ای که در دین یهود بر قانونی بودن تولد ناشی از تلقیح مصنوعی و خارج از روابط جنسی تأکید دارد، در تعارض است (۷). همان‌طور که Irving Breitowitz در مقاله‌ی اخیر خود بیان کرده است: ^۱ AIH یا تلقیح مصنوعی به‌عنوان عملی مجاز در دین یهود به‌شمار می‌رود که روابط والدینی در آن تحقق می‌یابد. بسیاری از علمای یهود نیز تکنیک «IVF» را شبیه به تکنیک «AIH» می‌دانند و استفاده از آن را مجاز می‌شمرند. در نهایت، چنین نتیجه می‌گیرند که صاحب تخمک و صاحب اسپرم رابطه‌ی والدینی با طفل حاصل از ^۲ IVF دارند و زوج مزبور هم، توانسته‌اند به وظیفه‌ی زاد و ولد خود، در دین یهود، عمل نمایند (۸).

۳- صاحب سلول چه زن و چه مرد، پدر طفل شبیه‌سازی شده است: از سوی دیگر، یک نظریه‌ی غیر متعارف هم وجود دارد که اظهار می‌دارد صاحب سلول چه مرد و چه زن، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود، به‌ویژه هنگامی که طفل شبیه از داشتن پدر محروم است؛ یعنی هنگامی که اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب

Rabbi Shlomo Zalman Auerbach می‌باشد. آنان تعدد عنوان مادری را پذیرفته‌اند و معتقدند که طفل می‌تواند بیش از یک مادر داشته باشد. این مطلب به‌ویژه در مسأله‌ی مادر جانشین (رحم اجاره‌ای) مطرح شده است (۱). در این صورت، صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو می‌توانند مادر قانونی کودک باشند.

مثلاً انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر

۱- صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده است: اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی مرد باشد، عنوان ابوت برای وی تحقق می‌یابد؛ زیرا همان‌طور که طبق قانون یهود، در جریان تولید مثل، مردی که تأمین‌کننده‌ی نصف ماده‌ی ژنتیکی (اسپرم) است، پدر طفل شناخته می‌شود، هرچند رابطه‌ی جنسی برقرار نباشد یا این رابطه شفاف نباشد، پس مردی که تأمین‌کننده‌ی تمام ماده‌ی ژنتیکی است (صاحب سلول)، به‌طور حتم، طبق قانون یهود پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌گردد (۱). بنابراین، در فرضی که اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول) زن باشد، طفل شبیه‌سازی شده فاقد پدر است؛ زیرا طفل شبیه‌سازی شده، همانند طفلی است که هویت پدرش مشخص نیست و به همین جهت ازدواج وی با زنان یهودی ممنوع می‌باشد؛ زیرا ممکن است یکی از زنان یهودی، با وی خواهر ناتنی باشد. اما در حقیقت، این وضعیت با وضعیت طفل شبیه‌سازی شده بسیار متفاوت است؛ زیرا تلمود در آن-جا به طفلی اشاره دارد که دارای پدر است ولی پدرش مشخص نیست، اما در این‌جا بر اساس مفاهیم هلاخایی عنوان پدری به هیچ وجه محقق نیست. بر این اساس، او نمی‌تواند با فرزندان هریک از آنانی که می‌توانند پدر یا مادر او شناخته شوند، ازدواج نماید. پس، این موضوع با موضوع طفل فاقد پدر مشخص (شتوقه) متفاوت است؛ زیرا هر مردی می‌تواند پدر وی

^۱ Artificial insemination by husband

^۲ In vitro fertilization

ظاهری مادر را داراست. این حکم به‌ویژه هنگامی تقویت می‌شود که این طفل، هیچ ارتباط ژنتیکی با صاحب رحم نداشته باشد و صاحب سلول نیز مذکر باشد؛ در این صورت، انتخاب دیگری در قانون یهود برای عنوان مادری وجود نخواهد داشت. از آن‌جاکه این دیدگاه بیش‌تر به زایش و تولد نظر دارد، در حالتی که طفل شبیه‌سازی شده در دستگاه بزرگ می‌شود و مادر اجاره‌ای هم ندارد، طفل شبیه‌سازی شده، فاقد پدر و مادر است یا این‌که اهداءکننده ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول)، والد مشکوک وی، به‌حساب می‌آید (۱).

۲- صاحب سلول اگر زن باشد و صاحب رحم، هر دو مادر طفل هستند: طبق این دیدگاه، در این صورت، وجود دو مادر برای طفل شبیه‌سازی شده، در دین یهود قانونی است. در این صورت، اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول) زن باشد، به سبب آن که نقشی بسیار بیش‌تر از صاحب تخمک در مسأله‌ی رحم اجاره‌ای دارد، می‌تواند مادر طفل شناخته شود. به بیان دیگر، دلیل اطلاق عنوان مادر به صاحب سلول در مسأله‌ی شبیه‌سازی، همان دلیلی است که بر اساس آن، در مسأله‌ی مادر جانشین (رحم اجاره‌ای)، می‌توان صاحب تخمک را مادر دانست (۱). هم‌چنین، زن صاحب سلول یعنی کسی که طفل شبیه‌سازی شده را حمل نموده و به‌دنیا نیاورده است، می‌تواند بر اساس این دیدگاه، مادر باشد؛ زیرا دو برابر بیش‌تر از مادران عادی، در امر تولد، مشارکت دارد. طبق این نظر، دین یهود بسیار متمایل است که صاحب سلول، را به‌عنوان مادر به‌حساب آورد و به همین جهت است که طفل شبیه‌سازی شده از ازدواج با هریک از بستگان این مادر و هم‌چنین خود وی، در صورتی که طفل مذکر باشد، منع شده است (۱). لازم به ذکر است که اگر

سلول) زن باشد و طبق دیدگاه اول، در مورد تحقق عنوان مادری، صاحب رحم، مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب شود. بر اساس این دیدگاه، بدون توجه به جنس پدر و مادر می‌توان عنوان پدری یا مادری را به فرد اطلاق نمود. این نظریه از سوی Rabbi Babad مطرح شده است.

وی این مبحث را درباره‌ی فردی ختنی که پدر یک فرزند مذکر است و در عین حال با وی ارتباط جنسی دارد، مطرح نموده است. البته لازم به ذکر است که این دیدگاه هیچ پیشینه‌ای در دین یهود ندارد و با این قانون صریح هلاخایی در تعارض است که می‌گوید: «هلاخا در هنگام تعیین مادر و پدر تأکید می‌کند که یک مرد، می‌تواند پدر و یک زن، می‌تواند مادر باشد». از سوی دیگر، شاخصه‌ی جنسیت تنها در موقعیتی که جنس والد مشخص نباشد، نادیده گرفته می‌شود و بنابراین، در شبیه‌سازی موضوعیت ندارد (۱).

۴- پدر صاحب سلول (جد)، پدر طفل شبیه‌سازی شده است: بر اساس رابطه‌ی همسانی، دیدگاه دیگری نیز مطرح می‌شود که بیان می‌دارد که پدر صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود که البته این نظر دور از ذهن است زیرا اسپرم وی مستقیماً در ایجاد طفل اثری ندارد (۸).

مسأله‌ی فرعی: آیا یک فرد مرده پس از مرگش می‌تواند عنوان پدری را در دین یهود داشته باشد؟
این مبحث در فتاوی‌های Rabb isaul Yisraeli و دیگران قابل مشاهده است. از نظر دین یهود، یک فرد مرده نمی‌تواند پس از مرگش عنوان پدری را داشته باشد. در ضمن، شخصی که ماده‌ی ژنتیکی وی را دارد، حق بهره‌برداری از آن را در تکنیک شبیه‌سازی ندارد (۱).

منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر

۱- صاحب رحم مادر طفل است: در شبیه‌سازی صاحب رحم مادر قانونی طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود؛ زیرا وی بیش‌تر از دیگران شرایط

شبیه‌سازی شده فاقد پدر باشد، یعنی اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول) زن باشد. طبق دیدگاه اول، در مورد تحقق عنوان مادری، صاحب رحم، مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه، بدون توجه به جنس پدر و مادر، می‌توان عنوان پدری یا مادری را به فرد اطلاق نمود. این نظریه از سوی ربی جوزف باباد مطرح شده است. بر اساس رابطه‌ی همسانی، دیدگاه دیگری نیز مطرح می‌شود که بیان می‌دارد پدر صاحب سلول، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود. البته این نظر دور از ذهن است؛ زیرا اسپرم وی مستقیماً در تولید طفل اثری ندارد.

عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به مادر نیز نظرات گوناگونی دارند. طبق دیدگاه اول، در شبیه‌سازی، صاحب رحم به‌عنوان مادر قانونی طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود؛ زیرا وی بیش از دیگران شرایط ظاهری مادری را داراست. طبق دیدگاه دوم از آن‌جاکه وجود دو مادر برای طفل شبیه‌سازی شده در دین یهود قانونی است، اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول) زن باشد، به سبب آن‌که نقشی بسیار بیش‌تر از صاحب تخمک در مسأله‌ی رحم اجاره‌ای دارد، می‌تواند به‌عنوان مادر در کنار صاحب رحم شناخته شود (در این مسأله نیز دو مادر برای طفل در نظر گرفته می‌شود: صاحب تخمک از آن جهت که وی اهداکننده‌ی نصف ماده‌ی ژنتیکی است و صاحب رحم). لازم به ذکر است که اگر صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک، یک زن باشد، به طریق اولی، وی مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود.

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات سرکار خانم دکتر لیلا هوشنگی - مدیر گروه ادیان و عرفان دانشگاه الزهراء و همچنین سرکار خانم دکتر جودی که در راستای تدوین این مقاله مساعدت نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم.

صاحب سلول، صاحب رحم و صاحب تخمک، یک زن باشد، به طریق اولی وی مادر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود (۸).

فقدان رابطه‌ی والدینی و هویت دینی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، در دین یهود انسان از نظر دین تابع مادر است. در این صورت، دین فرزند بدون توجه به هویت دینی پدر، تابع دین مادر خواهد بود. پس فرزند یک مادر یهودی، یهودی و فرزند یک مادر غیر یهودی، غیر یهودی است. در موضوع شبیه‌سازی، مسأله بسیار متفاوت است. در این شرایط، اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی (صاحب سلول)، یک زن یهودی باشد و صاحب رحم، غیر یهودی باشد یا بالعکس، هویت دینی طفل، منوط به اطلاق عنوان مادری به هریک از آن‌ها یا به هردوی آن‌هاست. دیوید بلیچ از دست‌نوشته‌های چاپ نشده‌ی استاد شلمو زلمان نقل می‌کند که هویت دینی این طفل مشکوک است و باید بار دیگر به دین یهود درآید. پس در مسأله‌ی شبیه‌سازی، هویت دینی صاحب سلول، صاحب تخمک و صاحب رحم، در تعیین هویت دینی طفل شبیه بسیار مؤثر می‌باشد، به‌ویژه هنگامی که نظریه‌ی چندمادری پذیرفته شده باشد (۱).

نتیجه‌گیری

عالمان یهود در مورد منشأ انتساب طفل شبیه‌سازی شده به پدر نظرات گوناگونی دارند. دیدگاه اول این است که اگر اهداکننده‌ی ماده‌ی ژنتیکی مرد باشد، عنوان ابوت برای وی تحقق می‌یابد. اما در دیدگاه دوم، اگر رابطه‌ی جنسی، میان زوجین صورت نگیرد، عناوین والدینی نیز تحقق نخواهند یافت. در این صورت در شبیه‌سازی، هیچ رابطه‌ی والدینی و فرزندی قابل تصور نمی‌باشد. اما این دیدگاه با قوانین گسترده‌ای که در دین یهود بر قانونی بودن تولد ناشی از تلقیح مصنوعی و خارج از روابط جنسی تأکید دارد، در تعارض است. از سوی دیگر، یک نظریه‌ی غیر متعارف هم وجود دارد که اظهار می‌دارد، صاحب سلول چه مرد و چه زن، پدر طفل شبیه‌سازی شده محسوب می‌شود، به‌ویژه هنگامی که طفل

منابع

- ۵- المسیری ع. دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، چاپ اول. ترجمه ی موسسه مطالعات و پژوهش های تاریخ خاورمیانه. تهران: دبیرخانه کنفرانس بین المللی حمایت از انتفاضه فلسطین؛ ۱۳۸۳، جلد ۵، ص ۵-۲۷۴.
- 6- Broyde MJ. The establishment of maternity and paternity in Jewish and American law. *Natl Jew Law Rev* 1988; 3: 117-58.
- ۷- نایب زاده ع. بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی، چاپ اول. تهران: مجد؛ ۱۳۸۰، ص ۹-۲۷۸.
- 8- Steinberg A, Loike JD. Human cloning: scientific, ethical and Jewish perspectives. http://www.daat.ac.il/daat/kitveyet/assia_english/steinberg.htm (accessed on 2010).
- 1- Broyde RMJ. Cloning people and Jewish law: preliminary analysis. <http://www.jlaw.com/Articles/cloning.html> (accessed on 2010)
- 2- Eisenberg D. The ethics of cloning. <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jsourc/e/Judaism/clone.html> (accessed on 2010)
- ۳- صادقی م. همانند سازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی. مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی، چاپ دوم. ز تهران: سمت؛ ۱۳۸۴، ص ۷۵.
- ۴- اشتاین سالتز آ. سیری در تلمود، چاپ اول. ترجمه ی طالبی دارابی ب. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۸۳، ص ۳-۲۰۱.